

السلام علی ملک الموت

وجنوده

محمد بهمنی

السلام علی
ملک الموت
السلام
وجنوده
ملک الموت

وجنوده

دیده نمی‌شد اما صدای گریه از آن محل به گوش می‌رسید. در هر صورت این موارد هرچند کاملاً مستند نباشد، اما در مجموع می‌توان دریافت که زندگی و عبادات مؤمنان و شیعیان جن تا حدود زیادی شبیه ما و مطابق با اعمال ماست.

ارتباط و تسخیر جن

یکی از مهم‌ترین سؤالات افراد در خصوص امکان ارتباط با جن و به خدمت گرفتن آن‌ها یا به اصطلاح «تسخیر جن» است.

در خصوص این امر باید گفت از روزگاران قدیم بین انسان و جن، شیوه‌های مختلفی از روابط مطرح بوده است. مثلاً در قرآن مجید آمده: «و همانا مردانی از انس به مردانی از جن پناه می‌بردند، پس به سختی‌های ایشان می‌افزودند»^۱

رسم عرب چنین بود که هرگاه به بیابان هولناکی می‌رسیدند، به جن آن وادی پناه می‌بردند. در اسلام از این کار نهی شده و باید به خدا پناه برد که آفریننده جن و غیر جن است. در بعضی روایات توصیه شده که در چنین مواقعی خوب است اذان بگویند تا از شر جنیان سرکش در امان بمانید.

در هر صورت عمده باورها و کارهایی که در این زمینه انجام می‌شود چیزی جز خرافات مضحک و بی‌معنا نیست. اما در خصوص تسخیر جن باید گفت نوعی از به خدمت گرفتن جنیان در قرآن و توسط حضرت سلیمان بیان شده است.^۲ این نکته نشان می‌دهد که اصل این امر شدنی است، اما فارغ از راهکارهایی این امر در بین فقها اختلاف است که آیا جایز است که ما جنیان را تسخیر و به خدمت بگیریم یا خیر؟

در این‌باره یک نظر کلی و قطعی وجود ندارد، اما در مجموع می‌توان گفت اگر عمل تسخیر جن از طریق اعمال خلاف شرع مانند اهانت به مقدسات دینی انجام شود - کاری که ظاهراً برای تسخیر جنیان کافر انجام می‌شود - یقیناً حرام و نادرست است. اما اگر این کار از طریق انجام اعمال حرام نباشد باز چند صورت ممکن است داشته باشد که برخی از مراجع همه آن‌ها را حرام می‌دانند، اما برخی دیگر می‌فرمایند اگر نسبت به مؤمنان جن باشد و مایه آزارشان گردد، جایز نیست. ولی اگر مایه آزارشان نشود، رواست.

البته در هر حال به کارگرفتن جنیان برای کارهای نامشروع مانند تجسس در امور دیگران یا کشف اسرار آن‌ها و... حرام است.

اما در مجموع باید دانست که اصل ارتباط با این موجودات عملی پسندیده و درست نیست و از نظر معارف دینی علاقه به ورود در این وادی و ارتباطات خاص با این موجودات که انسان را از زندگی عادی و طبیعی و معقول باز می‌دارد، امری ناپسند محسوب شده؛ به‌علاوه که این امر ممکن است ضررهای مختلف روحی و جسمی را نیز در پی داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. الرحمن (۵۵)، آیه ۵۶.

۲. جن (۷۲)، آیه ۶.

۳. سباء (۳۴)، آیه ۱۲ - ۱۳.

بزرگی که به قیامت باور داشت: حتی اگر اخبار قیامت و حساب و کتاب و جهنم و بهشت درست هم نباشد عقل حکم می‌کند که احتیاط کنیم. اگر بچه‌ای که دیوانه هم هست، روبروی در اتاقی که تعداد زیادی نشسته‌اند بنشیند و بگوید یک عقرب داخل یکی از این کفش‌ها رفت... بی‌استثناء همه کفش‌هایشان را می‌تکانند.

یعنی ضرر سنگین، حتی اگر احتمالش هم کم باشد باید از آن ترسید. و بیش از یک‌سوم آیات قرآن چیزی است که هر روز و شب من و تو را هشدار می‌دهد؛ شاید قیامتی که می‌گویند حقیقت باشد و اگر حقیقت باشد حال تو چگونه است؟

حقیقت تلخی به این شیرینی، شاید در زندگی انسان‌ها نتوان پیدا کرد. حقیقتی که دروازه حقایقی شگرف است. حقیقتی بسیار عجیب که هر روز و هر هفته و هر ماه بارها با آن روبرو می‌شویم. ولی از ترس مواجهه با آن راهمان را کج می‌کنیم و از کنارش عبور می‌کنیم و گاهی که روبروی ما می‌آید خودمان را به انواع و اقسام راه‌های چپ می‌زنیم که گویی اصلاً آن حقیقت را ندیده‌ایم، یا ما را چه به این حرف‌ها. دور از جان ما!

مرگ مثل آخر تابستان است، چه کشاورز گندم کاشته باشد یا نه... تابستان می‌آید. فقط یک فرق دارد کسی که کشتی داشته و کسی که زمین او خالی و بی‌حاصل است و آن مزد و حسرت است. یکی مزد می‌گیرد و حاصل دسترنجش را می‌برد و دیگری آه می‌کشد و حسرت می‌خورد. و چه خوب گفت



این شماره:
مرگ

مرگ را سر همه فرو کردند
رودکی

مبتران جهان همه مُردند

مرگ
موت
موت